

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال شانزدهم شماره ۶۲ تابستان ۱۴۰۰

پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس انواع طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی

مسیب یارمحمدی واصل^{۱*}، محیا مهرابی پور^۲، محمدرضا ذوقی پایدار^۳

*۱- دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

چکیده

هدف مطالعه پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس انواع طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه افرادی که در سال ۱۳۹۸ برای حل مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره شهر همدان مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش شامل ۲۱۰ نفر بود که به صورت نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه فرسودگی زناشویی پاینز، پرسشنامه طرحواره عشق و پرسشنامه جهت‌گیری اهداف زناشویی کانزاس بود. تحلیل داده‌ها نشان داد بین فرسودگی زناشویی با جهت‌گیری اهداف زناشویی و طرحواره عشق ایمن رابطه منفی و بین فرسودگی زناشویی با طرحواره عشق کناره‌گیر، بی‌ثبات و غیرجدی رابطه مثبت وجود داشت. همچنین نتایج داده‌ها حاکی بود که بین جهت‌گیری اهداف زناشویی با طرحواره‌های عشق کناره‌گیر، بی‌ثبات و غیرجدی رابطه منفی و بین جهت‌گیری اهداف زناشویی با طرحواره عشق ایمن رابطه مثبت وجود داشت. بنابراین نتایج این پژوهش حاکی است که طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی بر زندگی زناشویی زوجین مؤثر است، پس استفاده از این نتایج می‌تواند برای پیشگیری و درمان فرسودگی زناشویی مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی زناشویی؛ طرحواره‌های عشق؛ جهت‌گیری اهداف زناشویی

مقدمه

ازدواج نوعی پیوند اجتماعی صمیمانه و عمیق میان زن و شوهر است که می‌تواند منشا خوشی و شادمانی و یا رنجی عمیق برای آنها شود (شاهمرادی، صادقی، گودرزی و روزبهانی، ۱۳۹۸). در واقع ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است در طول دهه گذشته این سؤال که چگونه ازدواج شکل می‌گیرد و کدام عوامل بر موفقیت و یا شکست آن مؤثر است، تبدیل به یکی از دغدغه‌های پژوهشی روانشناسان گشته است (گاتمن و لونسون^۱، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد در دنیای امروز ساختار ازدواج در خطر بی‌ثباتی و متلاشی شدن است (ولفینگر^۲، ۲۰۱۵). یافتن همسری مناسب و ایده آل از قدیم یکی از مهمترین دغدغه‌های جوانان بوده است زیرا قرار است سال‌ها در کنار هم ببالند و به تکامل برسند و در کنار یکدیگر آرام و در آسایش و امنیت کامل مسیر پیشرفت و ترقی را بپیمایند. از این رو ازدواج، اولین و با اهمیت‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در مراحل دیگر زندگی به موفقیت در این مرحله وابسته است (نیتزل و هاریس^۳، ۲۰۰۹).

یکی از عوامل مهم در دست‌یابی به زندگی زناشویی خوب عشق است. عشق کلمه‌ای است که همیشه نقش اساسی را در شکل‌دادن به تاریخ زندگی بشر بازی کرده است، عشق به عنوان نوعی احساس شدید و عمیق محبت در نظر گرفته می‌شود. عشق به صورت احساس امنیت و حفاظت کامل فرد، در حضور فردی دیگر مشخص می‌شود. توصیف عینی عشق به عنوان یک مفهوم ذهنی بسیار دشوار است (اورینگ^۴، ۲۰۱۵). آن چیزی که حتمی است نقش عشق در انتخاب همسر و کیفیت زندگی زناشویی است (دونهام^۵، ۲۰۱۶). عشق یک احساس است که به ویژه توسط افراد درگیر در روابط عاشقانه بیان می‌شود و همراه تعدادی از عوامل دیگر (مانند صمیمیت، تعهد و محبت)، یکی از مؤلفه‌های مهم برای روابط رضایت‌بخش محسوب می‌شود (کانسکی^۶، ۲۰۱۸).

همچنین یکی از موضوعاتی که باعث تعارض دائمی در فضای خانواده می‌شود طرحواره‌ها هستند. مطابق پژوهش‌ها انجام شده، طرحواره‌ها در حیطه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارند و یکی از این حیطه‌ها، روابط در زندگی زناشویی است (ویرژیل، گرین، آرنو، سیسمور و مایرز^۷، ۲۰۱۱). طرحواره‌ها درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند، در دوران کودکی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند. از آنجا که طرحواره‌ها همانند چهارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین‌کننده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی و روابط بین فردی هستند گفته شده که با رضایت و سازگاری از زندگی رابطه دارند (امانی، عیسی نژاد و عزیزی، ۱۳۹۴).

هاتفیلد و رپسون^۸ (۱۹۹۶) نظریه طرحواره‌های عشق را با ادغام نظریه دلبستگی و مرحله‌ای مطرح کردند. سبک‌های دلبستگی افراد در گستره حیات ادامه دارد. از آنجایی که هر کسی نیاز به ارزیابی روابط نزدیک در زندگی فردی خود دارد؛ چگونگی دلبستگی و شکل‌دهی روابط بین فردی از اهمیت بسیاری برخوردار است. عشق فرایند دلبستگی است که به وسیله افراد مختلف به گونه‌های متفاوت تجربه می‌شود (حجازی، تنها، رحمانی و نیک پور، ۱۳۹۲).

طرحواره عشق در هر فرد طبق میزان راحتی او با نزدیک بودن، استقلال و اشتیاق داشتن به برقراری روابط عاشقانه است، اغلب در یکی از چهار دسته مؤلفه طرحواره عشق ایمن^۹، چسبنده^۱، کناره‌گیر^۲ و بی‌ثبات^۳ قرار می‌گیرند. افراد با طرحواره عشق ایمن

1- Gottman

2- Wolfinger

3- Nietzel & Harris

4- Oring

5- Dunham

6- Kansky

7- Virgil, Green, Arnau, Sisemore & Myers

8- Hatfield & Rapson

9- Secure

افرادی هستند که هم با نزدیکی و هم با استقلال داشتن از دیگران راحت هستند و مشکلی ندارند، این افراد می‌توانند به راحتی به شریک زندگی شان نزدیک شوند و معمولاً در مورد اینکه شریک زندگی شان، آنها را رها کنند نگرانی ای ندارند، افراد با طرحواره عشق چسبنده خواهان نزدیکی زیاد می‌باشند، اما از استقلال می‌ترسند این افراد نیازمند بک رابطه بسیار صمیمی هستند و اغلب نگران این موضوع هستند که شریک زندگیشان واقعا آنها را دوست نداشته باشند. طرحواره عشق کناره گیر شامل افرادی است که از نزدیکی زیاد وحشت دارند، اما با استقلال راحت هستند این افراد نیازمند رابطه ای هستند که در آن بتواند کاملاً مستقل باشند و به سختی به همسرشان اعتماد می‌کنند. و طرحواره عشق بی ثبات شامل افرادی می‌شود که هم با نزدیک بودن و هم با استقلال داشتن مشکل دارند و کاملاً مطمئن نیستند که چه نیازی دارند وقتی که او عاشق همسرش هست نگران است که شریک زندگی اش واقعا او را دوست دارد یا نه با این حال هنگامی که همسرش بیش از حد به او علاقمند می‌شود اغلب متوجه می‌شود که به همسرش علاقه ای ندارد و در نهایت احساس خستگی، تنش و خفگی می‌کند. افرادی که نسبت به رابطه با دیگران میلی ندارند، در دو طبقه طرحواره عشق غیرجدی^۴ (کسانی که فقط وقتی هیچ مشکلی نباشد، وارد رابطه می‌شوند و نمی‌خواهند بیش از اندازه متعهد شوند) و طرحواره عشق بی علاقه^۵ (کسانی که به طور کلی علاقه مند به رابطه نیستند و این روابط را بی ارزش می‌دانند)، قرار می‌گیرند (هاتفیلد و رپسون، ۱۹۹۶). افراد با طرحواره های عشق ایمن، کناره گیر، غیرجدی و بی علاقه بعد از شکست عاطفی، شادی و تسکین و لذت بیشتری را تجربه می‌کنند و خودشان را برای این شکست سرزنش نمی‌کنند، در حالیکه در افراد با طرحواره عشق چسبنده احتمال بیشتری وجود دارد که خشم و اضطراب را تجربه کنند و برای این شکست خود را سرزنش می‌کنند. انواع طرحواره عشق بی ثبات و کناره گیر تمایل دارند با رفتن به سمت الکل و مواد مخدر واکنش نشان دهند، اما نوع ایمن تمایل دارند با درگیر شدن بیشتر در کار، ورزش واکنش نشان دهند (باربارا^۶، ۲۰۰۸).

هاتفیلد، سینگیس، لوین، بچمن موتو و چو^۷ (۲۰۰۷) نشان دادند که افراد، معمولاً همسری با سبک دلبستگی و طرحواره عشق مشابه خود را ترجیح می‌دهند. همچنین مردان و زنان با طرحواره عشق ایمن هنگام مواجهه با تعهدات ازدواج آرام تر و مطمئن تر رفتار می‌کنند. و افراد با طرحواره عشق چسبنده، کناره گیر، بی ثبات در مواجهه با تعهد های غریب الوقوع اعتماد به نفس و آرامش کمتر و ترس و اضطراب بیشتری را نشان می‌دهند.

سه طرحواره عشق ایمن، چسبنده و کناره گیر با سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی مطابقت دارند (سینگیس، چو و هاتفیلد^۸، ۱۹۹۵) و سبک های دلبستگی زوجین از عوامل مؤثر در روابط زناشویی است، چرا که سبک های دلبستگی چارچوبی فراهم می‌کند که به فهم دقیق روابط زناشویی و راهبردهای مقابله با مشکلات زوجین کمک می‌کند (کرولی^۹، ۲۰۰۶).

هنگامی که از عشق بین زوجین کاسته می‌شود ممکن است آن‌ها تلاش‌هایی کنند مبنی بر ارزیابی مجدد ازدواجشان و تمرکز کردن بر روی کاستی‌های روابطشان (هوستون^{۱۰}، ۲۰۰۹) که در نهایت این ناکامی در عشق منجر به نارضایتی و فرسودگی زناشویی می‌شود (مقصودی و محمدی، ۱۳۸۹). می‌توان گفت فرسودگی سرآغاز شکست روابط زناشویی است که در نهایت می‌تواند باعث جدایی و طلاق زوجین بشود (ریدل، پری، رنتلر و زامبونی^{۱۱}، ۲۰۱۹). وقتی انتظارات رمانتیک و عاشقانه به حقیقت نپیوندد، فرد احساس سرخوردگی را به همسرش نسبت می‌دهد و باعث از بین رفتن عشق و تعهد می‌شود و در نهایت عشق جای خود را به فرسودگی می‌دهد.

1- Clingy

2- Skitish

3- Fickle

4- Casual

5- Uninterested

6- Barbara

7- Hatfield, Singelis, Levine, Bachman, Muto, Choo

8- Singelis, Choo, Hatfield

9- Crowley

10- Houston

11- Riedel, Perry, Rentler & Zamboni

دهد (کاظمی، ۲۰۱۷). احساسات منفی، در زندگی زوجین به صورت غالب در می‌آیند و به از دست دادن شور و اشتیاق اولیه، از بین رفتن وابستگی عاطفی و تعهد و در آخر به بروز فرسودگی زناشویی منجر می‌شود (پوکورسکا، فارل، ایوان شیتزکی و پیلا، ۲۰۱۳).

فرسودگی زناشویی با علائم جسمانی از قبیل احساس خستگی، کاهش انرژی، سردرد و شکایت‌های جسمی و روانی تنی و علائم عاطفی از قبیل ناامیدی، بی‌رغبتی، بی‌معنایی، احساس گیر کردن، افکار خودکشی و افسردگی و همچنین علائم روانی به شکل کاهش خودباوری، نظر منفی نسبت به همسر، احساس یأس و سرخوردگی مشخص می‌شود (پاینز و نانس، ۲۰۱۱).
پاینز، نیل و همراهِ (۲۰۱۱) معتقد هستند که فرسودگی استعاره‌ای است که برای وصف یک فرایند خستگی و ناتوانی که مشابه با خاموش شدن یک آتش یا شمع است، به کار می‌رود. پس از فرسودگی عدم اعتماد، تحقیر، سرزنش، عدم توجه به یکدیگر، طلاق عاطفی در روابط زوجین حاکم می‌شود و خانواده نشانه‌های افسردگی واکنشی را تجربه می‌کنند (گراف، کریستنسن، پولسن و اگرود، ۲۰۱۸). تحقیقات کارشناسان خانواده نشان می‌دهد که امروزه شیوع فرسودگی زناشویی بیشتر شده است، به طوری که ۵۰٪ درصد از زوجین در ازدواج خود با فرسودگی مواجه می‌شوند (عبادت پور، نوابی نژاد، شفیق ابادی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۲). تساپلاس، آرون و اربوک (۲۰۱۶) نشان دادند که فرسودگی زناشویی کنونی عامل پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی آینده می‌باشد و فرسودگی کنونی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. بالور (۲۰۱۱) تحقیقی درباره رابطه فرسودگی زناشویی با باورهای غیرمنطقی انجام داد و در تحقیق خود نشان داد که فرسودگی زناشویی با باورهای غیرمنطقی رابطه مثبت معناداری دارد. بنابراین وجود برخی از تفکرات غیرمنطقی در زوجین می‌تواند اثرات نامطلوبی بر زندگی زناشویی آنها داشته باشد و سطح رضایت زناشویی را پایین آورده و منجر به فرسودگی زناشویی می‌شود.

از آنجا که ازدواج نقطه آغازین چرخه زندگی خانوادگی است هدف ازدواج و هدفمندی زوجین بر کل زندگی زناشویی تأثیرگذار می‌باشد. بررسی و ارزیابی درست معیارها و انتظار فرد از ازدواج یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطالعاتی است که هدف آن‌ها پیش‌بینی و تشخیص عواملی است که بر کیفیت رابطه زوج تأثیر گذار است (بازبی، هولمن و تانیگوچی، ۲۰۰۱). این عوامل می‌توانند خصوصیات شخصیتی افراد، سبک‌های دلبستگی آنها در کودکی و سبک‌های عشق‌ورزی در بزرگسالی باشند که هر یک به نوبه خود بر روابط عاشقانه و رضایت از زندگی مؤثر خواهند بود (ویدس، هیلپرت، نوسبک، راندل، بدنمن و لیند، ۲۰۱۶). نظر به اینکه هدف ازدواج بر زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد، پس افراد نیاز دارند تا انتظارات و اهداف خود را از ازدواج مشخص و تعیین کنند که آیا سطح انتظارات آن‌ها واقع بینانه است یا خیر؟ (کلیک، هلماتو و سربکام، ۲۰۱۲). اگر اهداف و انتظارات زوجین از ازدواج ایده آل گرایانه و بدبینانه باشد، سبب نارضایتی و ناسازگاری زناشویی و به طلاق منجر می‌شود (وست، ۲۰۰۶). جایگاه و اهمیت داشتن هدف در زندگی زناشویی برای برخوردار بودن از یک زندگی خوب و شاد، امری انکارناپذیر و غیرقابل کتمان است و اینکه داشتن احساس معنا و هدف در زندگی مانند کلیدی است که می‌تواند قفل و گره مشکلات زندگی را باز نماید و باعث شود افراد کنش‌های مثبتی انجام دهند (عباسی و اداوی، ۱۳۹۶). هدفمندی به معنای داشتن غایت‌ها و اهدافی است که به زندگی فرد جهت و معنا می‌دهد.

¹ - Pokorska, Farrell, Evanschitzky, & Pilla

² - Pines, Nunes

³ - Pines, Neal, & Hammer

⁴ - Graff, Christensen, Poulsen, & Egerod

⁵ - Tsapelas, Aaron & Orbuc

⁶ - Balver

⁷ - Busby, Holman, & Taniguchi,

⁸ - Vedes, Hilpert, Nussbeck, Randall, Bodenmann & Lind

⁹ - Celik, Halmatov, Halmatov, & Saricam

¹⁰ - West

بخشد و باور های فرد درباره داشتن هدف و معنای زندگی از مهم ترین مؤلفه های بهزیستی روانشناختی به شمار می رود (میکائیلی منیع، نوری زاد و هاشمی، ۱۳۹۳). هدفمند بودن حس هویت فرد را تقویت می کند و از او در مقابل تمایل به رفتارهای پرخطر، استرس، افسردگی و تنش محافظت می کند (بارو و هیل^۱، ۲۰۱۱). داشتن هدف در زندگی مهم ترین عامل انگیزشی رفتار و اعمال انسان به شمار می آید. این حس با خودآگاهی، احساس کارآمدی، خودآزرشمندی و خودتاییدی همراه است که موجب می شود فرد احساس کند بر زندگی خود کنترل دارد و می تواند بر آن مؤثر واقع شود. این حس با جهت دادن به اعمال فرد باعث موفقیت های فرد می شود و باعث ایجاد حس اعتماد به نفس در فرد می شود که در آینده و اقدامات بعدی فرد نیز مؤثر است (دل له، بردر، فریر، ولابردریک و ویسینگ^۲، ۲۰۱۱). لی و فانگ^۳ (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود نشان دادند که پیگیری و دست یابی به اهداف زناشویی منبع اصلی رضایت زناشویی است.

ماناپ، ادریس، چکاسیم، هوسنی، نن و قازالی^۴ (۲۰۱۳) نشان دادند سه زمینه اصلی برای هدف از ازدواج عبارت انداز: انگیزه های مذهبی، انگیزه های زیست شناختی و انگیزه های اجتماعی-روانی. در این پژوهش انگیزه های مذهبی به عنوان انگیزه های اصلی ازدواج شناخته شدند. دومین دسته از اهداف ازدواج، تامین نیاز انسانی برای جفت بودن و داشتن یک خانواده و داشتن فرزند برای ادامه نسل جزء انگیزه های فیزیولوژیکی ازدواج شناخته شد و در نهایت عشق دوطرفه، رابطه دوستانه و شادکامی انگیزه های روانی-اجتماعی ازدواج می باشند. از آنجا که ازدواج نقطه آغازین چرخه زندگی خانوادگی است هدف ازدواج و هدفمندی زوجین بر کل زندگی زناشویی تأثیرگذار می باشد. بایلی، ونینیگ، فریچ و اسناید^۵ (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان دادند که داشتن هدف در زندگی بالاترین قدرت پیش بینی برای متغیر رضایت از زندگی و سلامت جسمی و روانی است.

فرسودگی زناشویی ناشی از توقعات غیرواقع بینانه و غیرمنطقی، گذار از هیجانان، بی دقت و بی توجه بودن زوجین نسبت به هم و نیازهای یکدیگر است (پاینز، نل و همرف^۶، ۲۰۱۱). بنابراین می توان گفت زوجین در صورت هدفمند نبودن، واقع بینانه نبودن اهدافشان وعدم تلاش برای بهبود و ارتقا رابطه شان ممکن است دچار فرسودگی زناشویی بشوند. همچنین یکی از اهداف مهم ازدواج و انتخاب همسر، عشق است. فرایندی که از طریق آن زوجین جذب یکدیگر می شوند و ممکن است به عنوان ترکیبی از دوستی و رابطه جنسی در نظر گرفته شود و امروزه به عنوان چهارجوبی برای انتخاب شریک زندگی مطرح می شود (فولر^۷، ۲۰۰۹). بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که آیا فرسودگی زناشویی را می توان براساس طرحواره های عشق و جهت گیری اهداف زناشویی پیش بینی کرد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه افرادی بود که در سال ۱۳۹۸ به مراکز مشاوره شهر همدان به دلیل مشکلات زناشویی مراجعه کرده بودند. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت نمونه گیری هدفمند و در دسترس بود. نمونه آماری پژوهش از بین مراجعه کننده های دارای مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره شهر همدان (مهر، مهرآور، سپیدار، روزبه، فرزانه، حال خوب) به تعداد ۲۱۰ نفر انتخاب شدند.

1- Burrow & Hill

2- Delle, Brdar, Freire, Valla & Wissing

3- Li & Fung

4- Manap, Idris, Che Kasim, Hoseni, Nen & Ghazali

5- Baily, Winnieeng, Frisch, Snyder

6- Pines, & Neal & Hammer

7- Fowler

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز: مقیاس فرسودگی زناشویی، ابزاری خودسنجی است که توسط پاینز (۱۹۹۶) با هدف اندازه‌گیری درجه فرسودگی زناشویی بین زوجین ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که ۱۷ ماده آن شامل عبارتهای منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و چهار ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پرنرزی بودن است. نمره‌گذاری این مقیاس در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) است. ضریب پایایی مقیاس با روش بازآزمایی در یک دوره یکماهه برابر ۰/۷۶ محاسبه شد. همچنین اعتبار این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (پاینز، ۱۹۹۶، به نقل از فتوحی، میکائیلی، عطادخت و حاجلو، ۱۳۹۶). نعیم (۱۳۷۸) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصویف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه کرده است. نادری، افتخار و آملزاده (۱۳۸۸) به منظور برآورد روایی این مقیاس از پرسشنامه رضایت زناشویی انریخ استفاده کردند که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- به دست آمد (فتوحی، میکائیلی، عطادخت و حاجلو، ۱۳۹۶).

مقیاس جهت‌گیری اهداف زناشویی: مقیاس جهت‌گیری هدف زناشویی کانزاس^۱ (KMCS) توسط کنث اگمان^۲ و ویرجینیا ماکسلی و والتر آر. اسپچام در سال ۱۹۸۵ ساخته شده است که از ۷ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش هدفمندی در روابط زناشویی زوجین بکار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد. در پژوهش اگمن^۲ (۱۹۸۵) این مقیاس با یک آلفای ۰/۹۴ و ۰/۹۵ برای شوهران و یک آلفای ۰/۸۶ و ۰/۹۰ برای زنان از دارای همسانی درونی بود. روایی آن نیز با همبستگی‌های بازآزمایی ۰/۹۱ برای شوهران و ۰/۸۹ برای زنان است. همچنین این مقیاس با همبستگی‌های معنادار با مقیاس‌های تعارض زناشویی از یک روایی همزمان مناسب هم برای زنان و هم برای شوهران برخوردار است (اگمن، ماکسلی و اسپچوم، ۱۹۸۵).

پرسشنامه طرحواره عشق: با توجه به طرح تحقیق ابتدا باید پرسشنامه طرحواره‌های عشق ساخته و اعتباریابی می‌شد، تا با سایر پرسشنامه‌ها استفاده شود. به این منظور مرور گسترده‌ای بر منابع و تحقیقات پیشین در زمینه طرحواره‌های عشق و منابع مربوط به آن انجام شد. بنابراین پرسشنامه طرحواره‌های عشق با توجه به تعاریف این سازه، فهرست‌ها، طبقه‌بندی‌ها و پرسشنامه‌های موجود و پژوهش‌های پیشین طراحی شد، که ساخت آن به صورت زیر است: در مرحله اول انواع طرحواره‌های عشق مشخص و تعریف شدند که شامل: طرحواره عشق ایمن، طرحواره عشق چسبنده، طرحواره عشق اجتنابی، طرحواره عشق بی‌ثبات، طرحواره عشق غیرجدی و طرحواره عشق بی‌علاقه می‌شود. مرحله دوم، پس از تعاریف انواع طرحواره‌های عشق، اقدام به تهیه و طراحی سوالات و عبارتهایی شد که بتوانند جوانب مختلف هر بعد را به دقت مورد ارزیابی قرار دهند. سوالات پس از بررسی و ویرایش، به منظور تعیین اعتبار صوری و محتوا در اختیار چهار نفر از صاحب نظران و اساتید دانشگاه بوعلی سینا قرار گرفت. پس از دریافت نظرات و پیشنهادات اصلاحی، سوالاتی که نقص داشتند مورد اصلاح و ارزیابی قرار گرفتند و سوالات نامناسب حذف و سوالات دیگری جایگزین آن‌ها شد. بعد از بررسی اعتبار صوری و محتوا، پرسشنامه طراحی شده، به صورت مقدماتی در بین ۴۳ نفر از افراد که به مراکز مشاوره جهت مشکلات زناشویی مراجعه کرده بودند اجرا شد و از آنان خواسته شد تا ضمن پاسخگویی به سوالات نظرات خود را در خصوص روشن بودن سوالات نیز بیان نمایند. پس از بررسی و تحلیل پرسشنامه‌ها تغییراتی در فرم اولیه سوالات داده شد و در نهایت پرسشنامه اصلی با ۴۹ سوال و ۶ شاخص آماری (طرحواره عشق ایمن، چسبنده، اجتنابی، بی‌ثبات، غیرجدی و بی‌علاقه)

^۱ - Marital Goals Orientation Scale

^۲ - Eggeman

^۳ - Eggeman, Moxley & Schumm

ساخته شد. در نهایت برای بررسی روایی همگرایی این آزمون از پرسشنامه طرحواره عشق (LS) نیز استفاده شده است. مقیاس طرحواره عشق ساخته شده از روایی همگرایی مناسبی برخوردار بود. آلفای کرونباخ محاسبه شده در این پژوهش برای طرحواره عشق ایمن ۰/۶۳، طرحواره عشق چسبنده ۰/۸۵، طرحواره عشق کناره گیر ۰/۸۰، طرحواره عشق بی ثبات ۰/۹۲، طرحواره عشق غیرجدی ۰/۸۳ و طرحواره عشق بی علاقه ۰/۸۱ است.

یافته ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از شاخص های توصیفی میانگین، انحراف معیار و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده های شاخص های توصیفی میانگین و انحراف معیار در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) توصیف متغیرهای تحقیق بر اساس شاخص های توصیفی میانگین و انحراف معیار

شاخص ها	میانگین	انحراف معیار
جهت گیری اهداف	۱۸/۹۲	۶/۵۷
طرحواره عشق ایمن	۳۹/۷۹	۱۰/۹۱
طرحواره عشق چسبنده	۲۳/۸۱	۷/۱۵
طرحواره عشق اجتنابی	۱۱/۲۳	۴/۴۴
طرحواره عشق بی ثبات	۲۰/۱۵	۹/۱۶
طرحواره عشق غیرجدی	۱۱/۹۴	۴/۹۱
فرسودگی زناشویی	۳/۲۵	۰/۹۶

یافته ها نشان داد میانگین جهت گیری اهداف زناشویی ۱۸/۹۲، میانگین طرحواره های عشق ایمن ۳۹/۷۹، میانگین طرحواره عشق چسبنده ۲۳/۸۱، میانگین طرحواره عشق اجتنابی ۱۱/۲۳، میانگین طرحواره عشق بی ثبات ۲۰/۱۵، میانگین طرحواره عشق غیرجدی ۱۱/۹۴ و میانگین فرسودگی زناشویی ۳/۲۵ بود.

جدول (۲) نتایج آزمون ضریب همبستگی بین فرسودگی زناشویی با جهت گیری اهداف

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی
جهت گیری اهداف	۱۸/۹۲	۶/۵۷	-.۰/۶۳**

* $p < .05$ ، ** $p < .01$

یافته های جدول (۲) نشان داد که بین فرسودگی زناشویی با جهت گیری اهداف زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود داشت ($r = -.۰/۶۳$ ، $p < .01$).

جدول (۳) نتایج ضریب همبستگی بین طرحواره های عشق با فرسودگی زناشویی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	انواع طرحواره های عشق
۰/۰۰۱	-۰/۳۹	طرحواره عشق ایمن
۰/۶۷	۰/۰۲	طرحواره عشق چسبنده
۰/۰۰۱	۰/۴۱	طرحواره عشق اجتنابی
۰/۰۰۱	۰/۵۴	طرحواره عشق بی ثبات
۰/۰۰۱	۰/۳۳	طرحواره عشق غیرجدی

مندرجات جدول (۳) نشان می‌دهد که طرحواره عشق ایمن با فرسودگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود داشت ($r = -0/39$ ، $p < 0/001$). همچنین بین طرحواره عشق چسبنده با فرسودگی زناشویی رابطه معناداری نبود ($r = 0/02$ ، $p > 0/05$). نتایج پژوهش نشان داد بین طرحواره عشق اجتنابی با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین طرحواره عشق بی‌ثبات با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0/54$ ، $p < 0/001$). یافته‌ها بین طرحواره عشق غیرجدی با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0/33$ ، $p < 0/001$). براساس این نتایج می‌توان گفت که بین طرحواره عشق غیرجدی با فرسودگی زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول (۴) نتایج ضریب همبستگی بین طرحواره های عشق با جهت‌گیری اهداف زناشویی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	انواع طرحواره های عشق
۰/۰۰۱	۰/۴۱	طرحواره عشق ایمن
۰/۴۰	۰/۰۵	طرحواره عشق چسبنده
۰/۰۰۱	-۰/۳۸	طرحواره عشق اجتنابی
۰/۰۰۱	-۰/۵۱	طرحواره عشق بی ثبات
۰/۰۰۱	-۰/۲۷	طرحواره عشق غیرجدی

بر اساس مندرجات جدول (۴) یافته‌ها نشان داد بین طرحواره عشق ایمن با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0/41$ ، $p < 0/001$). همچنین بین طرحواره عشق چسبنده با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه معناداری وجود نداشت ($r = 0/05$ ، $p > 0/05$). نیز براساس این نتایج بین طرحواره عشق اجتنابی با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود داشت ($r = -0/38$ ، $p < 0/001$). همچنین یافته‌ها نشان داد بین طرحواره عشق بی‌ثبات با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0/51$ ، $p < 0/001$). نیز بین طرحواره عشق غیرجدی با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه منفی معناداری وجود داشت ($r = -0/27$ ، $p < 0/001$).

در این پژوهش برای بررسی نقش جهت‌گیری هدف و طرحواره‌های عشق در پیش‌بینی فرسودگی زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد که شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/48$ بود. مجذور R

تعدیل شده برابر ۰/۴۷ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۴۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی فرسودگی زناشویی، می‌تواند توسط طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف تبیین شود. بنابراین بر اساس اطلاعات جدول (۵) میزان معناداری $F(31/99)$ با درجه کمتر از ۰/۰۱ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی در سطح ۹۹٪ معنا دار است ($p < 0/01$ و $F = 31/99$).

جدول (۵) ضرایب رگرسیون طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف برای پیش‌بینی فرسودگی زناشویی

سطح معنی‌داری	t	Beta استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		عامل
			SD	B	
۰/۰۰۱	۱۲/۰۱	-	۰/۳۵۱	۴/۲۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	-۶/۹۸	-۰/۴۳۹	۰/۰۰۹	-۰/۶۵	جهت‌گیری اهداف
۰/۰۲۵	-۲/۲۵	-۰/۱۲۷	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۱	طرحواره عشق ایمن
۰/۶۳	۰/۴۷	۰/۰۲۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	طرحواره عشق چسبنده
۰/۹۲	۰/۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۱۷	۰/۰۰۲	طرحواره عشق اجتنابی
۰/۰۰۱	۳/۲۴	۰/۲۸۷	۰/۰۱۲	۰/۰۳۰	طرحواره عشق بی- ثبات
۰/۸۲	-۰/۲۱	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	-۰/۰۰۴	طرحواره عشق غیرجدی

یافته‌های مندرج در جدول (۵) نشان داد که جهت‌گیری اهداف با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۳- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ بیشترین نقش را در پیش‌بینی واریانس فرسودگی زناشویی داشت. همچنین طرحواره عشق بی‌ثبات با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۲۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ و طرحواره عشق ایمن با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۱۲- و سطح معناداری ۰/۰۵ نیز در پیش‌بینی فرسودگی زناشویی نقش معناداری داشتند. طرحواره‌های عشق چسبنده با ضریب رگرسیونی ۰/۰۲۵ و سطح معناداری ۰/۶۳، طرحواره عشق اجتنابی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۰۷ و سطح معناداری ۰/۹۲ و طرحواره عشق غیرجدی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۱۶- و سطح معناداری ۰/۸۲ نقش معناداری در پیش‌بینی فرسودگی زناشویی نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که جهت‌گیری اهداف زناشویی بهترین پیش‌بینی‌کننده فرسودگی زناشویی بود. این یافته‌ها با مطالعات موسوی و دهشیری (۱۳۹۵)، بخشوده و بهرامی احسان (۱۳۹۱) و شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵) مبنی بر اینکه انتظارات زناشویی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی باشد، همخوان است. در این مطالعات نشان داده شده است که انتظارات و اهداف غیرمنطقی و سرسختانه افراد باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود و افراد متأهل هر چه فاصله و اختلاف بیشتری بین انتظارات زناشویی و واقعیت زناشویی در حال تجربه خود احساس کنند به همان میزان از رضایت زناشویی کمتری بهره می‌برند.

موسوی و دهشیری (۱۳۹۵) بیان می‌کنند زنان و مردان پیش از قرار گرفتن در رابطه زناشویی، در ابعاد مختلف ارتباطی چون دریافت محبت از سوی همسر، نقش‌های همسری، تعهد به رابطه زناشویی، میزان ابراز صمیمیت و ایجاد یک رابطه امن، انتظار رابطه پاداش‌دهنده و تقویت‌کننده‌ای از همسر خود دارند، در صورت برآورده شدن، موجبات رضایت از رابطه و در نهایت تعهد به چنین رابطه‌ای قرار می‌گیرد، برعکس، چنانچه، افراد رابطه زناشویی خود را ارضا کننده انتظارات و اهداف یاد شده ندانند، ناکام می‌مانند و

در چرخه احساسات منفی چون نارضایتی، خشم، افسردگی و اضطراب گرفتار می‌شوند و برای گریز از چنین احساساتی به اقدامات مقابله‌ای توسل می‌جویند.

همچنین پیرساقی، زهراکار، کیامش، محسن زاده و حسنی (۱۳۹۶) در تحقیق خود نشان دادند که هدف‌گذاری بخش مهمی از ارتباط زوجین کارآمد است. آن‌ها برای زندگی خود برنامه و هدف مشخصی دارند و فعالانه در پی دستیابی به اهداف خود هستند. همچنین به مرور زمان به بازبینی منظم اهداف خود پرداخته و در صورت لزوم به تنظیم مجدد آن‌ها یا انتخاب اهداف جدید می‌پردازند. برای تبیین این یافته می‌توان گفت که هدفمندی دربرگیرنده عناصر شناختی، انگیزشی، شخصی و عاطفی خاصی است که موجب می‌شود افراد هدفمند منظم‌تر بوده، برای زندگی‌شان برنامه بهتری بریزند، به شکل بهتری از امکانات شخصی و محیطی استفاده کنند و یک چشم‌انداز واضحی از زندگی و چیزهایی که می‌خواهند به آن برسند، شکل بدهند. این عناصر با به وجود آوردن انگیزه و جهت دادن به اعمال و کوشش‌های انسان باعث می‌شود که فعالیت‌های وی مؤثرتر، کارآمدتر و نتیجه‌بخش‌تر باشد (استیگر^۱، ۲۰۱۲).

در نتیجه وقتی فرد در زندگی زناشویی خود هدفمند باشد احساس عزت نفس و خودارزشمندی بیشتری می‌کند، برنامه‌ریزی درست و واقع‌بینانه‌ای برای زندگی خود و همسرش ترتیب می‌دهد و کنترل بیشتری می‌تواند بر زندگی زناشویی خود داشته باشد در نهایت سطح کیفیت زناشویی افزایش و فرسودگی زناشویی کاهش پیدا می‌کند. طبق نظریه کارن هورنای انسان معمولاً انتظارات غیرمنطقی دارد و اصرار دارد که دیگران به خواسته‌های آنان گردن نهند و چون این خواسته‌ها برآورده نمی‌شود، عصبانیت بر آن‌ها چیره می‌شود. این قبیل انتظارات و معیارها در زندگی زناشویی دردرساز شده و باعث به وجود آمدن اضطراب‌ها و فشارهای متعدد و غیرقابل تحمل می‌شود (بک، ۱۹۹۳؛ ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۸۶).

همچنین یافته‌ها نشان داد که طرحواره عشق ایمن بطور مثبت و و طرحواره عشق بی‌ثبات به طور منفی پیش‌بینی‌کننده فرسودگی زناشویی بودند. یافته‌های این تحقیق با در این زمینه با مطالعه فینی^۲ (۲۰۰۲) همسو بود. او در پژوهش خود نشان داد که دلبستگی و رفتارهای مثبت زوجین در رضایت از زندگی زناشویی اثر داشت. افرادی که امنیت را احساس نمی‌کنند، به ویژه آن‌هایی که سبک دلبستگی همراه با اضطراب دارند، نسبت به رفتارهای مثبت و به خصوص منفی شریک زندگی خود واکنش شدیدتری نشان می‌دهند. اسمیت^۳ (۲۰۰۳) براین اعتقاد است که تنوع در سبک‌های دلبستگی بزرگسالی، به الگوهای اختلاف و فشار روانی در روابط عاشقانه، رضایت و توازن عاشقانه و همچنین دوره زمانی روابط عاشقانه مربوط است.

برای تبیین نتایج بدست آمده از این فرضیه می‌توان گفت به طور کلی افراد با سبک دلبستگی ایمن، تعارض کمتر، رضایت بیشتر، ثبات بیشتر و دوره طولانی‌تر در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند و در مقابل افراد با سبک دلبستگی نایمن، تعارض بیشتر، رضایت کمتر، ثبات کمتر و دوره‌های کوتاه‌تری در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند (افخم ابراهیمی، ۱۳۸۷).

یافته دیگر این پژوهش این است که بین طرحواره عشق ایمن با فرسودگی زناشویی رابطه منفی معنی و بین طرحواره عشق اجتنابی، بی‌ثبات و غیرجدی با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت معناداری داری وجود دارد. همچنین بین فرسودگی زناشویی با طرحواره عشق چسبیده رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها با مطالعات بیرامی، فهیمی، اکبری و پیچاکالایی (۱۳۹۱)، باترز و کمیل^۴ (۲۰۰۸)، بالور^۵ (۲۰۱۱) و بشارت و گنجی (۱۳۹۱) همسو بود آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن

1- Steger

2- Feeney

3- Schmitt

4- Butzer & Campbell

5- Balver

و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سبک‌های دلبستگی بر راهبردهای تنظیم هیجانی فرد مؤثرند. افراد با دلبستگی ایمن به علت داشتن والدینی پاسخگو و حساس به وضعیت‌های هیجانی در دوران کودکی، یاد گرفته‌اند که چگونه عواطف خود را تنظیم کنند و با دیگران ارتباط برقرار نمایند و عملکرد بهتر و سالمتری در روابط نزدیکشان دارند در نتیجه می‌توانند رابطه‌ای با رضایت بیشتر را تجربه کنند (بشارت، گنجی، ۱۳۹۱).

افراد با سبک دلبستگی ایمن دارای ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد به خود و دیگران، درک مثبت و حمایت اجتماعی، رفتار اکتشافی و انفعال‌پذیری، تمایل به بخشش و مهار هیجان‌های منفی می‌باشند این افراد درک عمیق‌تری را از روابط به صورت بالاتر نشان می‌دهند و این افراد از اشتراک‌های بالاتری در روابط بین فردی برخوردارند که این ویژگی‌ها موجب استحکام روابط زوجین شده و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (صفایی مقدم، برادران، فاطمی نیک و دولت‌آبادی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر افراد با عشق ایمن از تعارض‌ها در زندگی زناشویی اجتناب نمی‌کنند و خشونت کلامی کمتری از خود نشان می‌دهند (دامینگو و مولن^۱، ۲۰۰۹). در صورتیکه افراد ناایمن تعارض‌ها را رخدادهایی منفی تلقی می‌کنند (پیستل و اریکال^۲، ۲۰۰۳).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افراد با عشق ایمن مشکلات زناشویی را امری عادی می‌دانند و با استفاده از راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز از عواقب ناگوار و تشدید اختلاف جلوگیری می‌کنند، ولی افراد با عشق نا ایمن تاکتیک‌های خشن‌تر را به کار می‌گیرند و مهارت کافی برای مدیریت تعارضات و مشکلات زناشویی ندارند (ملکی، ذبیح‌زاده، پناغی، رشیدی و باقری، ۱۳۹۳). همچنین افراد دارای عشق ایمن از مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته‌تر استفاده می‌کنند، در حالی که افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن بیشتر از سبک‌های دفاعی رشد نیافته و نوروپیک استفاده می‌کنند (بشارت، تولائیان و ساغندی، ۱۳۹۵). بنابراین زندگی زناشویی خوب وابسته به سطح پختگی سبک‌های دفاعی است (پارویی، بسطامی کتولی، اسمعیل، کاظمی رضایی و کاظمی رضایی، ۱۳۹۷).

نتایج مطالعات موندور، مکدوف، لوسیر و رایت^۳ (۲۰۱۱) نشان داد که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی در روابط بین فردی خود هیجان و عواطف مثبت کمتری را تجربه کرده‌اند و ارتباطات آن‌ها از کیفیت کمتری برخوردار است در نتیجه رضایت مندی زناشویی آنها کاهش پیدا می‌کند. همچنین یافته‌های فنی و نولر^۴ (۱۹۹۶) و لوپز، ریگس، پالارد و هوک^۵ (۲۰۱۱) نشان داد که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی رضایت زناشویی بسیار پایینی دارند.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق بارنت، تایلر، ورتینگتون و فورسیت^۶ (۲۰۰۶) مبنی بر اینکه بین سبک‌های دلبسته ناایمن و سازگاری زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد، همسو است. برای تبیین این نتیجه می‌توان گفت که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به علت عدم اعتماد به دیگری در حمایت‌کننده و حفاظت‌کننده بودن، از دیگران فاصله فیزیکی، عاطفی و شناختی دارند و وابستگی متقابل و تعهد در این افراد کمتر است. اجتناب از صمیمیت و فاصله گرفتن از دیگری، عاملی مهم در ایجاد نارضایتی در رابطه است، در نتیجه هر چه فرد ناایمن‌تر باشد، تمایلش برای نزدیک شدن به دیگری و تجربه صمیمیت در رابطه کمتر می‌شود. این افراد در هنگام پریشانی، حمایت کمتری از دیگران طلب می‌کنند و نسبت به پریشانی دیگران هم کمتر واکنش نشان می‌دهند. میزان همدلی و همدردی در این افراد پایین است. با توجه به این بررسی‌ها نشان می‌دهند که همدلی یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده رضایت زناشویی در رابطه است، ناایمنی در دلبستگی با توجه به اثر منفی که بر همدلی می‌گذارد، می‌تواند موجب افزایش فرسودگی زناشویی گردد (جهانی و صائمی، ۱۳۹۶).

¹ - Domingue & Mollen

² - Pistole & Arricale

³ - Mondor, McDuff, Lussier & Wright

⁴ - Feeny & Noller

⁵ - Lopez, Riggs, Poirard & Hoo

⁶ - Burnette, Taylor, Worthington & Forsyth

بنابراین این همسران باهم صمیمیت نداشته، نمی‌توانند برای ارضای نیازهای خود بر همسرش تکیه کند و نیاز به صمیمیت و ارزشمند بودن بین زن و شوهر ارضا نمی‌شود در نتیجه کیفیت روابط زناشویی پایین می‌آید، همچنین حل نامؤثر تعارض‌ها یکی از عوامل مهم ایجاد فرسودگی زناشویی می‌باشد و افراد دارای این سبک دلبستگی در موقعیت‌های تعارض به جای استفاده از راهبرد‌های منطقی و سازنده به سمت درگیرشدن و رفتارهای مخرب متمایل خواهند شد و در نتیجه سطح کیفیت زناشویی پایین می‌آید (کریمی، کرمی و دهقان، ۱۳۹۳). نیز فرد با طرحواره عشق‌کناره‌گیر نمی‌تواند محیط حمایتی لازم را برای همسرش ایجاد کند و به طور کلی فقدان صمیمیت و حل نامؤثر تعارض‌ها از عوامل مهم ایجاد فرسودگی زناشویی هستند (پاینز، ۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق جهانی و صایمی (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد همسو بود. همچنین بانس^۱ (۲۰۰۴) نیز در یک بررسی شامل ۳۳۳ زوج، به این نتیجه رسیدند که دلبستگی ناایمن همبستگی منفی بالایی با رضایت زناشویی دارد. افرادی که طرحواره عشق بی‌ثبات را دارند وقتی می‌خواهند در عشق دیگری پیروز شوند مانند یک فرد چسبنده رفتار می‌کنند و وقتی با یک تعهد واقعی رو به رو می‌شوند مانند یک فرد کناره‌گیر رفتار می‌کنند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷). طبق نظریه مثلثی عشق استرنبرگ^۲ (۱۹۸۶) سه عنصر صمیمیت، تعهد و میل برای ایجاد یک عشق تمام‌عیار لازم و ضروری هست ولی همانطور که گفته شد افراد با طرحواره عشق بی‌ثبات نمی‌توانند رابطه صمیمانه مطلوبی را با شریک زندگیشان برقرار کنند از سوی دیگر این افراد طبق تحقیق شریفی و همکاران (۱۳۹۱) از میزان تعهد پایینی برخوردار هستند. بنابراین این افراد نمی‌توانند عشق کاملی را در روابط خود شکل دهند. عدم شکل‌گیری عشق مطلوب به صورت مشکلات شناختی، اختلالات اضطرابی و مشکلات فیزیولوژیکی آشکار می‌شود و زمینه را برای گرایش به انحرافات اجتماعی از قبیل روابط فرا زناشویی، بی‌بندباری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اضطراب، افسردگی و عدم رضایت زناشویی فراهم سازد (مسترز^۳، ۲۰۰۸، نقل از کریمیان، ۱۳۹۰).

هاتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که ۶/۷ درصد از افراد در روابط عاشقانه خود طرحواره عشق غیر جدی دارند. این افراد نسبت به رابطه‌ی عاشقانه‌شان کاملاً گاه به گاه و غیرجدی هستند، تعهد زیادی در رابطه ندارند و خیلی زمان و هزینه برای رابطه صرف نمی‌کنند و فقط در صورتی که هیچ مشکلی نباشد یک رابطه را آغاز می‌کنند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷). فقدان صمیمیت، حل نامؤثر تعارض‌ها و عدم ارتباط متقابل از عواملی است که باعث ایجاد فرسودگی زناشویی می‌شود (پاینز، ۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). افراد با طرحواره عشق غیرجدی به دلیل ویژگی‌های ذکر شده نمی‌توانند صمیمیت و ارتباط مطلوبی با همسرشان داشته باشند. همچنین در مواقع بروز تعارضات و مشکلات زناشویی با راهبرد‌های حل مسأله‌آشنایی‌چندانی ندارند و بیشتر تمایل به خاتمه دادن رابطه دارند. همانطور گفته شد این افراد هم در صمیمیت و هم در تعهد مشکل دارند. قربانی نژاد و شمس‌آبادی (۱۳۹۵) در تحقیق خود نشان دادند که بین مؤلفه‌های عشق (صمیمیت و تعهد) و فرسودگی زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد. در نتیجه بروز فرسودگی زناشویی در افراد با طرحواره غیرجدی طبیعی است.

یافته‌های دیگر این پژوهش این است که بین جهت‌گیری اهداف زناشویی و فرسودگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد، همچنین بین طرحواره عشق ایمن با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین طرحواره‌های عشق اجتنابی، بی‌ثبات و غیرجدی با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین طرحواره عشق چسبنده با جهت‌گیری اهداف زناشویی رابطه معناداری وجود نداشت. این یافته با نتایج وست، ۲۰۰۶؛ کمپبل، سیمپسون، کشی و فلتچر^۴، ۲۰۰۱؛

1- Banse

2- Sternberg

3- Masters

4- Campbell, Simpson, Kashy & Fletcher

همسو بود. آن‌ها در تحقیقات خود نشان دادند که اگر اهداف و انتظارات زوجین از ازدواج بدبینانه و ایده آل گرایانه باشد، سبب ناراضیتی و ناسازگاری زناشویی می‌شود همچنین اهداف و انتظارات زناشویی برآورده شده بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. لی و فانگ (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود نشان دادند که پیگیری و دست‌یابی به اهداف زناشویی منبع اصلی رضایت زناشویی است. رجبی، کاوه فارسانی، امان الهی و خجسته مهر (۱۳۹۷) در تحقیق خود که به شناسایی مؤلفه‌های کیفیت زناشویی پرداخته‌اند، نشان دادند که هدف داشتن در زندگی زناشویی، اهمیت داشتن هدف در زندگی، اتحاد و توافق میان زوج‌ها برای رسیدن به اهداف، داشتن هدف مشترک بین زوج‌ها و تلاش و پشتکار برای رسیدن به اهداف از عواملی است که بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد. برای تبیین این یافته‌ها همانطور که در نظریه عقلانی-عاطفی تأکید می‌شود می‌توان گفت افراد ممکن است معیارها و اهداف سرسختانه و یا غیر منطقی درباره روابط صمیمانه داشته باشند که روابط صمیمانه در زندگی واقعی نتواند با آن هماهنگ شود و منجر به ناراضیتی آنان از روابط و عصبانیت و فرسودگی می‌شود (الیس و هارپر^۱، ۲۰۰۳؛ ترجمه شفیع، ۱۳۸۵). طبق نظریه ایس، انتظارات غیرواقع بینانه بزرگترین مانع در زندگی زناشویی است و کاهش این انتظارات غیرواقع بینانه موجب کاهش ناهماهنگی در زندگی زناشویی می‌گردد (آزادی، کیمیایی، عباسی بوردنر، ۱۳۹۳). در واقع تفکرات غیرمنطقی همان اندیشه‌های باطل و وهمی و خیالی هستند که منجر به بروز اختلافات زناشویی میشوند (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۹۰). فرسودگی زناشویی هم به دلیل نبود تناسب بین واقعیت و آن چه انتظار می‌رفته است، به وجود می‌آید. برخی مطالعات باورها، تفکرات و اهداف غیرمنطقی را از دلایل ایجاد فرسودگی زناشویی مطرح کرده‌اند (دهقان، کامرانی، گلی و رحمانی، ۱۳۹۵).

اصغری نژاد و دانش (۱۳۸۴) نشان دادند که تفاهم متقابل تأثیر زیادی در رضایت زناشویی زوجین دارد و افراد با سبک دلبستگی ایمن برخلاف افراد با سبک دلبستگی نایمن می‌توانند در طول زندگی به توافق متقابل بپردازند. تحقیق غفوری اصل، عبداللهی و امیری (۱۳۹۳) نشان داد که افراد با سبک دلبستگی ایمن در انتخاب ملاک‌های ازدواج بهتر عمل می‌کنند تا افرادی که سبک دلبستگی نایمن دارند. برای تبیین آن می‌توان گفت که افراد ایمن دارای شخصیت بهنجار و روابط هیجانی سالمی هستند و از سلامت روان بهتری برخوردارند (غفوری اصل و همکاران، ۱۳۹۳) و دارای ویژگی‌های مثل دلگرمی دادن، شرکت در کارها، مثبت بودن، داشتن تصویر ذهنی مثبت از همسرشان و عشق علاقه نسبت به همسرشان هستند همچنین برای خوشایند ساختن رابطه برای طرف مقابل، کارهایی را انجام می‌دهد و یا از انجام آن خودداری می‌کند (اصغری نژاد و دانش، ۱۳۸۴).

در نتیجه افراد با طرحواره عشق ایمن به دلیل دارا بودن این ویژگی‌ها در زندگی زناشویی خود هدفمندتر هستند و برای دست‌یابی به اهداف زناشویی خود و همسرشان و بهبود رابطه‌شان تلاش‌های بسیاری انجام می‌دهند و همچنین این خصوصیات باعث می‌شود که افراد ایمن اهدافی منطقی و واقع‌گرایانه‌تر و ملاک‌های ارزنده‌ای در زندگی زناشویی خود انتخاب کنند. اصغری نژاد و دانش (۱۳۸۴) در تحقیق خود نشان دادند افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن از جمله سبک دلبستگی اضطرابی توافق زناشویی کمی در زندگی خود دارند.

همچنین افراد دلبسته اجتنابی نگرش منفی و غیرقابل اعتمادی نسبت به دیگران دارد، از سلامت روان کمتری برخوردار هستند، این افراد نمی‌توانند با شریک زندگی‌شان صمیمی بشوند، تعهد کمتری دارند، تمایلی به مشارکت در کارها ندارند و اکثر موقعیت‌ها را استرس‌زا می‌دانند و در صورت بروز مشکل به پایان بخشیدن رابطه تمایل نشان می‌دهند (غفوری اصل و همکاران، ۱۳۹۳). اهداف همراهی که مربوط به نیاز به تعلق و وابستگی در ازدواج هست از مهم‌ترین اهداف ازدواج می‌باشد (دسی و ریان^۲، ۲۰۰۰). فرد با این طرحواره نمی‌تواند به این هدف دست‌یابی داشته باشد زیرا همانطور که گفته شد این افراد از صمیمیت و وابستگی گریزان هستند و احساس خوبی از نزدیک شدن به همسرشان ندارند. نیز افراد کناره‌گیر نمی‌توانند به درستی عمل کنند چرا که این افراد تمایلی به

¹ - Ellis & Harper

² - Deci & Ryan

نزدیکی به همسرشان و شراکت و همکاری در انجام مسئولیت‌ها ندارند. همانطور که میلز و کلارک^۱ (۱۹۹۴) معتقد هستند افراد وقتی هدفی را مطلوب تشخیص می‌دهند نه تنها در تلاش هستند که خود به آن هدف دست پیدا کنند بلکه شرایطی را فراهم می‌کنند که کمک کنند همسرشان هم به آن هدف دست پیدا کند و در این صورت است که احساس رضایت می‌کنند. در صورتیکه افراد با طرحواره عشق کناره‌گیر به دلیل عدم تمایلشان به نزدیک شدن و همکاری در انجام کارها و دید منفی نسبت به دیگران نمی‌توانند همسرشان را در رسیدن به اهداف زناشویی همراهی کنند.

افراد با طرحواره عشق بی‌ثبات نه با صمیمیت و نه با استقلال آسودگی خاطر دارند. این افراد به دلیل شخصیت غیرقابل پیش‌بینی شان نمی‌توانند در دست‌یابی به اهداف زناشویی به خوبی عمل کنند. وردل^۲ (۲۰۱۱) معتقد است که اتحاد بین زن و مرد و پیوند آن‌ها در ائتلافی تکمیل‌کننده از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اهداف ازدواج می‌باشد. در صورتی که افراد با طرحواره عشق بی‌ثبات به خاطر ویژگی‌ها کناره‌گیری که دارند نمی‌توانند این هدف را محقق سازند. همچنین دسی و ریان (۲۰۰۰) معتقد هستند که صمیمیت و تعهد که دو عنصر از سه عنصر نظریه مثلثی عشق استربرگ هستند خیلی نزدیک به اهداف همراهی اند. دو ویژگی‌ای که افراد با طرحواره عشق بی‌ثبات فاقد آن هستند در نتیجه نمی‌توانند به اهداف همراهی را در زندگی زناشویی خود دست پیدا کنند. فیتسیمونز و شاه^۳ (۲۰۰۸) معتقد هستند که نزدیک بودن و صمیمیت افراد به شرکای زندگیشان کمکی است برای اینکه افراد اهداف شخصی خود را عملی کنند. ولی افراد بی‌ثبات گاهی اوقات به صورت صمیمی رفتار می‌کنند گاهی به صورت کناره‌گیر و نمی‌توانند ارتباط درست و مناسبی با شریک زندگی شان برقرار کنند.

طرحواره عشق غیرجدی جز طرحواره‌های بی‌میل به رابطه زناشویی به حساب می‌آید (شریفی، حاجی‌حیدری، خوشرو و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱). افراد با این نوع طرحواره عشق از تعهد پایینی برخوردار هستند. از اهداف ازدواج فراهم کردن یک محیط حمایتی برای رشد شخصی است (لی و فانگ، ۲۰۱۱). با توجه به ویژگی‌های افراد غیرجدی، این افراد نمی‌توانند یک محیط حمایتی برای شریک زندگی شان فراهم کنند چرا که به طور کلی در روابط عاشقانه سرمایه‌گذاری زیادی نمی‌کنند و خود را به طور خیلی جدی درگیر روابط عاشقانه نمی‌کنند. در نتیجه قادر به عملی کردن اهداف سازمانی که مربوط به تقسیم وظایف می‌شود هم نیستند زیرا که برای تحقق این اهداف فرد باید در تمامی کارها از جمله پرورش کودکان، مسائل مالی و مدیریت امور خانواده با همسرش مشارکت داشته باشد. همینطور قادر به عملی کردن اهداف همراهی هم نیستند چون برای تحقق این اهداف نیاز به تعلق و وابستگی بین زوجین هست.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی می‌توانند بر زندگی زناشویی زوجین اثر بگذارند روانشناسان و مشاوران خانواده با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهش‌هایی می‌توانند اقدامات مؤثری در جهت حل تعارض‌های و کاهش نارضایتی و فرسودگی زناشویی زوجینی انجام دهند و آن‌ها را با اهداف زناشویی منطقی آشنا سازند و از طریق آموزش‌ها و مشاوره‌های قبل از ازدواج به شناسایی طرحواره عشق افراد پردازند.

منابع

آزادی، زینب؛ کیمیایی، سیدعلی و عباسی بوردنرق، سکینه (۱۳۹۳). رابطه توانایی حل مسأله خانواده و باورهای غیرمنطقی با مشکلات و ناسازگاری زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۹ (۳۶)، ۱-۱۷.

¹- Mills & Clark

²- Wardle

³- Fitzsimons & Shah

اصغری نژاد، مهناز و دانش، عصمت (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسایل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه. **تازه‌ها و پژوهش‌ها**، ۴ (۱۴).

افخم ابراهیمی، عزیزه (۱۳۸۷). شیوه‌های دلبستگی و ارتباط آن با مدل‌های خود و دیگران و صفات شخصیتی دانشجویان دانشکده‌های مختلف علوم پزشکی. **تازه‌های علوم شناختی**، ۱۰ (۳)، ۳۴-۴۴.

الیس، آبرت؛ هارپر، رابت (۲۰۰۳). **راهنمای ازدواج موفق**، ترجمه شفیع (۱۳۸۵). تهران: نشر رسا. ۷-۸.

امانی، احمد؛ عیسی نژاد، امید و عزیزی، آرمان (۱۳۹۴). بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی. **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، ۱۰ (۳۷)، ۴۵-۷۰.

بخشوده، اسماء و بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۱). نقش «انتظارات زناشویی» و «مبادلات سالم» در پیشبینی «رضایت زناشویی زوجین». **مطالعه اسلام و روانشناسی**، ۶ (۱۰)، ۴۲-۲۷.

بشارت، محمدعلی و گنجی، پویا (۱۳۹۱). نقش تعدیلکننده سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی. **اصول بهداشت روانی**، ۱۴ (۵۶)، ۳۲۴-۳۲۶.

بشارت، محمدعلی؛ تولاتیان، فهیمه و اسدی ساغندی، محمد مهدی (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی: نقش واسطه‌ای استحکام من. **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، ۱۱ (۴۴)، ۲۱-۴۷.

بک، آر.تی (۱۳۸۶). **عشق هرگز کافی نیست**، ترجمه قرچه داغی. تهران: نشر آویز.

بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکالایی، احمد (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های تمایز یافتگی. **اصول بهداشت روانی**، ۱۴ (۱)، ۶۴-۷۷.

پارویی، مهدی؛ بسطامی کتولی، مالک؛ کربلایی اسمعیل، انسیه؛ کاظمی رضایی، سید علی و کاظمی رضایی، سید ولی (۱۳۹۷). پیش‌بینی رضایت زناشویی پرستاران براساس سبک‌های دلبستگی، مکانیزم‌های دفاعی و کیفیت زندگی. **نشریه روان پرستاری**، ۶ (۲)، ۲۴-۳۲.

پاییز، آ. مالاچ (۱۹۹۶). **چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نیانجامد**، (ترجمه، شاداب، ۱۳۸۱). تهران: ققنوس.

پیرساقی، فهیمه؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا؛ محسن زاده، فرشاد و حسنی، جعفر (۱۳۹۶). شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد. **دوفصلنامه مشاوره کاربردی**، ۱۷ (۱)، ۲۶-۱.

جهانی، زهرا و صائمی، حسن (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی دانشجویان متأهل. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی. **مشاوره، تعلیم و تربیت**، ۱-۱۳.

حجازی، الهه؛ تنها، زهرا؛ رحمانی، سوده و نیک پور، روشنک (۱۳۹۲). سبک‌های عشق: رابطه با پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک‌های دلبستگی. **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، ۸ (۳۰)، ۲۹-۵۳.

دهقان، فاطمه؛ پیری کامرانی، مرضیه، رحیم، گلی و هادی، رحمانی (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت زناشویی، دلزدگی زناشویی و سلامت روان زنان همسر جانباز. **زن و جامعه**، ۷ (۴)، ۱-۱۱.

رجبی، غلامرضا؛ کاوه فارسانی، ذبیح اله؛ امان الهی، عباس و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۷). شناسایی مولفه‌های کیفیت زناشویی زوج‌ها. **مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، ۷ (۲)، ۱۸۷-۱۷۲.

شاهمرادی، حسین؛ صادقی، مسعود؛ گودرزی، کوروش و روزبهانی، مهدی (۱۳۹۸). هم‌سنجی اثربخشی رویکردهای تلفیقی هیجان‌مدار-گاتمن و راهبردی-راه حل محور بر بازیابی صمیمیت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق. **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، ۱۴ (۵۴)، ۲۹۳-۳۲۷.

شایسته، گلناز؛ صاحبی، علی و علیپور، احمد (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی با باروهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین. **فصلنامه خانواده‌پژوه**، ۲ (۷)، ۲۳۸-۲۲۳.

شریفی، مرضیه؛ حاجی حیدری، مهناز؛ خوروش، فریبرز؛ فاتحی زاده، مریم (۱۳۹۱). رابطه طرحواره‌های عشق و توجیه روابط فرازناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. **ویژه‌نامه سلامت روان**، ۱۰ (۶)، ۵۳۴-۵۲۶.

شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۹۰). **نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

صفایی مقدم، صفا؛ برادران، نجمه؛ فاطمی نیک، طیبه و قدیمی دولت آبادی، شهین (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی. **کنگره ملی خانواده سالم**، ۱۹۱-۱۹۶.

- عبادت پور، بهناز؛ نوایی نژاد، شکوه؛ شفیق آبادی، عبدالله؛ فلسفی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلدزدگی زناشویی. **روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی**، ۳ (۱۳)، ۲۹-۴۵.
- عباسی، محمد و اداوی، حمیده (۱۳۹۶). رابطه باورهای مذهبی و سلامت روانی از طریق واسطه‌گری هدفمندی در زندگی و ادراک پیری در معلمان بازنشسته. **مجله روانشناسی پیری**، ۲ (۳)، ۲۰۴-۱۹۵.
- غفوری اصل، فرانک؛ عبدالهی، محمد حسین و امیری، محسن (۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان و ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی. **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۳ (۲۶)، ۱-۲۷.
- فتوحی، سکینه؛ میکائیلی، نیلوفر؛ عطادخت، اکبر؛ حاجلو، نادر. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر فراهیجان‌برسازگاری و دلدزدگی زناشویی در همسران دارای تعارض. **فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده**، ۱۲ (۲۹)، ۴۴-۴۵.
- قربانی نژاد، معظم و شمس‌آبادی، احمد (۱۳۹۵). بررسی رابطه مولفه‌های عشق با دلدزدگی زناشویی. **چهارمین همایش ملی مشاوره و سلامت روان**، قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان.
- کریمی، پروانه؛ کریمی، جهانگیر و دهقان، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با فرسودگی زناشویی کارکنان متأهل. **زن و جامعه**، ۵ (۴)، ۵۳-۷۰.
- کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. **فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده**، ۱ (۲)، ۲۶۳-۲۵۶.
- مقصودی، منیژه. محمدی، شهناز (۱۳۸۹). فرسودگی شغلی و دل‌زدگی زناشویی (مطالعه موردی: زنان متخصص جراحی زنان و زایمان، شاغل در بیمارستان‌های شهر تهران). **زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، ۳ (۳)، ۷۱-۵۷.
- ملکی، قیصر؛ ذبیح‌زاده، عباس؛ پناغی، لیلی؛ رشیدی، مانا و باقری، محبوبه (۱۳۹۳). تاکتیک‌های حل تعارض در انواع سبک‌های دلبستگی زوجین. **اندیشه و رفتار**، ۸ (۳۱)، ۷۱-۸۷.
- موسوی، سیده فاطمه و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۵). نقش فاصله بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران. **مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان**، ۱۳ (۲)، ۱۱۰-۹۳.
- میکائیلی منبع، فرزانه؛ نوری زاد، نرگس و هاشمی، سهیلا (۱۳۹۳). بررسی رابطه آخرت‌نگری، هدفمندی در زندگی، امید و انگیزش تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی. **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، ۹ (۳۶)، ۱۸۲-۲۰۷.
- Baily, T., Wnnieeng, F., Frisch, M.B., & Snyder, C.R. (2007). Hope and optimism as related to life satisfaction. *J Positive pPsychol*, 2 (3): 168-75.
- Balver, . (2011). Professional nursing Bournout and Irrational Thinking. *journal article springer link*. 123-125
- Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Barara, G. (2008). Gender differences in the verbal expression of love schema. Article in sex roles, 58: 814-821.
- Burnette, J.L. Taylor, K.W. Worthington, E.L. and. Forsyth, R. (2006). Attachment and trait forgivingness: The mediating role of angry rumination, *Journal of Counseling & Development*, Vol.8, 312-320.
- Burrow, A.L., & Hill, P.L. (2011). Purpose as a from of identity capital for positive youth adjustment. *Developmental Psychology*, 47(4), 1196-206
- Busby, D. M., Holman, T. B., & Taniguchi, N. (2001). RELATE: Relationship evaluation of theindividual, family, cultural, and couple contexts. *Family Relations*, 50 (4): 308-316.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships*, 15, 141-154.
- Campbell, L., Simpson, J.A., Kashy, D.A., & Fletcher, G.J.O. (2001). Ideal standards, the self, and flexibility of ideals in close relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 447-462.
- Celik, I., Halmatov, M., Halmatov, S., & Saricam, H. (2012). Research on Views About Male University Students' Marriage and Future Family Role Expectation. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46(0), 3275-3278.
- Crowley, A.K. (2006). The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction. *Doctoral Thesis*. Texas A.M. University.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.

- Delle Fave, A., Brdar, I., Freire, T., Valla-Brodrick, D., & Wissing, M.P. (2011). The Eudaimonic and Hedonic components Of happiness: Qualitative and quantitative Findings, *Social Indicators Research*, 100(2), 185-207.
- Domingue, R., & Mollen, D. (2009). Attachment and conflict communication in adult romantic relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26, 678-696 .
- Dunham SM. (2016). Emotionally focused couple therapy: An interview with Scott Woolley, PhD. *The Family Journal: Counseling and Therapy for couples*.
- Eggeman, K., Moxley, V., and Schumm, W.R. (1985). Assessing spouses` perceptions of Gottman`s Temporal in marital conflict, *psychological Reports*, 57, 171-181.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281- 291.
- Feeney, J., A. (2002). Attachment, marital interaction, and relationship satisfaction: A diary study. *Personal Rrlationships*, 9, 39-55.
- Fitzsimons, G. M., & Shah, J. Y. (2008). How goal instrumentality shapes relationship evaluations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 95, 319-337.-
- Fowler, A. C. (2009). Love and Marriage: Through the Lens of Sociological Theories. *Human Architecture*, 5 (2), 61.
- Gottman, J. M. and Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-priode. *Journal marriage and family*, 62 (3), 737-745.
- Graff HJ, Christensen U, Poulsen I, Egerod I. Patient perspectives on navigating the field of traumatic brain injury rehabilitation: a qualitative thematic analysis. *Disability and rehabilitation*. 2018 Apr 10;40(8):926-34
- Hatfield E, Singelis T, Levine T, Bachman G, Muto K, Choo P. (2007). Love schemas, preferences in romantic partners, and reactions to commitment. *Interpersonal*; 1: 1-24.
- Hatfield, E., & Rapson, R.L. (1996). *Love and sex: A cross-cultural perspective*. New York: Allyn & Ba- con
- Huston, T.L. (2009). What's love got to do with it? Why some marriages succeed and others fail. *Personal Relationships*, 16, 301-327.
- Kansky, J. (2018). What's Love Got to Do with It? Romantic Relationships and Well-Being. In: Diener, E., Oishi, S. and Tay, L., Eds., *Handbook of Well - Being* , DEF Publishers, Salt Lake City, UT, 1-24.
- Li, T & Fung, H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. *Review of General Psychology*. 15 (3), 246-254.
- Lopez, J.L., Riggs, S.A., POIARD, E., & Hook, J.N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of family psychology*, 25(2), 301-309.
- Manap, J; Idris, F; Che Kasim, A; Hoseni, S; Nen, S & Ghazali, F. (2013). The Purpose of Marriage among Single Malaysian Youth. *Social and Behavioral Sciences*; 82, 112 – 116.
- Mattila, K. A., Salminen, K. j., Nummi, T., Joukamaa, M. (2006). Aag is strongly associated with alexithymia in the general population. *Journal of psychosomatic research*, 61, 629-635.
- Mills, J., & Clark, M. (1994). Communal and exchange relationships: Controversies and research. In R. Erber, & R. Gilmour (Eds.), *Theoretical framework for personal relationships*. 29-42.
- Mondor J, McDuff P, Lussier Y, Wright J. Couples in Therapy: Actor-Partner Analyses of the Relationships Between Adult Romantic Attachment and Marital Satisfaction. *Am J Fam Ther*. 2011;39(2):112-23.
- Nietzel, M.T , Harris, M. J. (2009). *Creative ways to keep romance alive* retrieved. <http://www.heartnhome.com>.
- Oring, K. C. (2015). Love at First Sight: A Correlation of Personality and Attachment Style (*Doctoral dissertation* , California Lutheran University).
- Pines AM, Nunes R. (2011). The relationship between career and couple burnout: implication for career and couple counseling. *Journal of employment counseling*; 40(2): 50-64.
- Pines, A.M., & Neal, M.B., & Hammer, L. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Social psychology Quarterly*, 74, 361-368.
- Pistole, M. C., & Arricale, F. (2003). Understanding attachment: Beliefs about conflict. *Journal of Counseling and Development*, 81, 318-328 .
- Pokorska, J., Farrell, A., Evanschitzky, H., & Pillai, K. (2013). Relationship fading in business-to-consumer context. In S. Sezgin, E. Karaosmanoglu, & A. B. Elmadag Bas (Eds.), *EMAC. 42nd annual EMAC conference: lost in translation*
- Riedel, E., Perry, A., Rentler, D., Zamboni, B. (2019). *Work-Family Conflict, Job Burnout, and Couple Burnout in High-Stress Occupations*. Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Forensic Psychology. *Walden University College of Social and Behavioral Science*.
- Schmitt, D. P. (2003). Are men universally more difference than women? Gender difference in romantic attachment across 62 cultural regions. *Personal Relationships*, 10: 307-320.

- Sho'a Kazemi M. (2017). Comparative study of domestic violence, couple burnout and self-esteem in regular women and female clients of family court in Tehran. *Journal of Women and Family Studies*. 5(1): 35-52. [Persian]
- Singelis T, Choo P, Hatfield E. Love schemas and romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality* 1995; 10: 15-36
- Steger, M.F. (2012). Experiencing meaning in life: Optimal functioning at the nexus of spirituality, psychopathology, and well-being- In P.T.P Wong & P.S. Fry (Eds), *The human quest for meaning*. New York, NY: Routledge.
- Tsapelas, I, Aaron, A and Orbuc, T(2016). Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years latePublished In: *Psychologicag Science*, 20(5).Pp. 543-545.
- Vedes, A., Hilpert, P., Nussbeck, F. W., Randall, A. K., Bodenmann, G., & Lind, W. R. (2016). *Love styles, coping, and relationship satisfaction: A dyadic approach. Personal Relationships*.
- Virgil Zeigler-Hill, V., Z., Green, B., Arnau, R.C., Sisemore, T., B., & Myers, E.M. (2011). Trouble ahead, trouble behindL Narcissism and early maladaptive schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. 42, 31-103.
- Wardle, L. D. (2011). The boundaries of belonging: Allegiance, purpose and the definition of marriage. *Journal of Public Law*, 287-315.
- West, E. A. (2006). Relational Standards: Rules and Expectations in Romantic Relationships. A *Ph.D. thesis*. Australian Catholic University National.
- Wolfinger ,N.,H. (2015). *Understanding the Divorce Cycle: the Children of Divorce in their own Marriages*. Oxford: university Press.

Prediction of Marital Burnout based on Types of Love Schemas and Marital Goal Orientations

Yarmohamadi Vasel, M^{1*}, Zoghi Paydar, M.R², & Mehrabi Pour, M³

*¹. Ph.D., Associate Professor, Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Email: yormohamadivasel@yahoo.com (Corresponding Author)

². Ph.D., Assistant Professor, Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

³. M.A, Psychology, Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Abstract

The aim of this study was to predict marital burnout based on different types of love schemas and marital goal orientations. The study was conducted with a correlational method. The study population included all people referred to counseling centers for marital problems in Hamadan city. Using convenience sampling, 210 subjects were selected. Data were collected using Piens marital burnout questionnaire, love schemas inventory, Kansas marital Goals Orientation questionnaire. Results showed negative correlations were between marital burnout with marital goals orientation and secure love schema and positive correlations were observed between marital burnout and with Skittish, fickle and Casual love schemas ($P < .05$). Results showed that there were negative correlations between marital goals orientation and skittish, fickle and casual love schemas and positive associations were observed between marital goals orientation with secure love schemas ($P < .05$). The results of this study suggested that love schemas and the marital goals orientation affected the married life of the couple. Therefore, the application of the findings could be useful for the prevention and treatment of marital burnout

Key terms: Marital burnout; Love schemas; Marital goals orientation